

رو برو شدن دنیا و دنیا

هر گاه مور خین آینده پس از قرن‌ها به نیمه اول قرن بیست به عقب بنگرند و فعالیتها و تجارب این عصر را بخواهند به تناسب درستی ببینند بر چسته ترین واقعه عصر مارا چه خواهند دید؟ گمان می‌کنم این واقعه بر چسته عبارت از وقایع احساساتی یاغم انگیز سیاسی و اقتصادی که اعم مطالب جراید و موضوع مهم ذهن مارا تشکیل میدهد نخواهد بود؛ این واقعه از جنس جنگ، انقلاب، کشتار، طرد و اخراج، قحطی، و فور نعمت، خرابی یادوره سرگرمی بکار و بار نیست بلکه واقعه ایست که ما کاملاً بان مستشعر نیستیم و نمیتوانیم آنرا عنوان قرار دهیم. اشیائی که در رأس مطالب قرار میگیرند از انچه توجه مارا جلب میکنند که بر سطح جریان زندگی قرار دارند و همین چیزها توجه مارا از جنبشهای کسندتر، فوق العاده نرم و نامفهوم و ناچیز بیکه زیر سطح ظاهر کار میکنند و تا اعماق میرسند، باز میدارد، اما همین حرکات عمیق و آهسته است که بالاخره تاریخ میسازد و وقتی واقعات زودگذر و احساساتی از بین میرود با جسامت اصلی خود در تاریخ گذشته باقی میماند.

چشم انداز ذهنی، مانند چشم انداز حسی، وقتی بخوبی بنظر میآید که بین آن و شخص بیننده - فاصله باشد مثلاً وقتی از شهر سالت لیک به دینور به طیاره سفر کنیم نزد یکترین منظره کوههای را کیز، بهترین آن نیست. وقتی عملاً بالای کوهها هستیم جز جا های پر پیچ و خم قله کوه، بر آمدگی ها و دره های تنگ چیزی دیگری نمی بینیم اما چون از کوهها دور شدیم و بوادی رسیدیم، اگر به عقب بنگریم، کوه با عظمت اصلی خود یکسلسله پشت سلسله دیگر بنظر میآید. این همان وقتی است که نظر اصلی راجع به خود را کیز پیدا کرده ایم.

بادر نظر گرفتن این حقیقت گمان می‌کنم مورخین آینده عصر ما را متناسب  
بهتری نسبت به ما بتوانند ببینند.

آنهاراجع باین عصر چه خواهند گفت؟

بنظر من مورخین آینده خواهند گفت: تصادم مدنیت غربی بر همه جوامع جهان  
آنروز بزرگترین واقعه قرن بیست است و راجع باثر این تصادم خواهند گفت باندازه  
قوی و موثر بود که حیات مردمان آنروز را زیرورو کرده و بر اخلاق، رفتار، نظر  
و احساسات مردم از مرد وزن و طفل تاثیر بسیار نزدیکی داشته - معینا رعب آور  
و خسته کننده بوده. این قولی است که یقین دارم مورخین پس از مدت بسیار کوتاهی -  
در ۲۰۲۷ میگویند

مورخین ۲۰۴۷ چه خواهند گفت؟ اگر یک قرن بیشتر از امروز زندگی میکردیم  
ازین خیال و ادعای وهمی یعنی تأمل در چیزها بیکه در زمانی باین دوری گفته  
یاشنیده شده باید معذرت می‌خواستیم. یازده صد سال برای اشخاص بیکه عقیده دارند  
بسال ۴۰۰۴ قبل از میلاد خلق شده اند زمان بسیار درازی است .

اما امروز لازم نیست از چنین ناملی خود را معذور بدانیم؛ زیرا از دوره پدر بزرگ  
مایمیش زمان آنقدر تغییر کرده که هر گاه بخواهیم نقشه پیدایش زمین را از  
آغاز بوجود آمدن آن بکشیم نمیتوانیم مدتی باین کوتاهی، یازده صد سال را  
طوری جادهیم که بدون کمک ذره بین دیده شود .

مورخین ۳۰۴۷ میلادی نسبت به مورخین ۲۰۴۷ م ممکن است مطالب دلچسپ  
تری داشته باشند زیرا آنهاراجع بدستنامه که مادر فصل مقدمانی تر آن قرار گرفته  
ایم ممکن است چیزهای بیشتری بفهمند. من عقیده دارم که مورخین ۳۰۴۷ بتاثير  
متقابل و عظیمی که، در آنوقت، ممالک متاثرشونده بر تاثیر کننده ایجاد می‌کند بیشتر  
علاقه خواهند داشت تا سال ۳۰۴۷ مدنیت غربی ما، طوریکه ما، و متقدمین غربی ما از  
آغاز طلوع آن از دوره تاریک یعنی سیزده صدسال باینطرف آنرا شناخته‌ایم، بنا بر  
تایر عواملی از جهان خارج، که فعلا مشغول بلعیدن آن هستیم طوری تغییر شکل  
خواهد داد که دیگر نخواهیم توانست آنرا شناخت. این عوامل عبارت است از مسیحت  
خالص العقیده، اسلام، هندوئیسم، شرق دور .

تا سال ۴۰۰۷ فاصله بین مدنیت غرب به حیث متجاوز و مدنیت‌های دیگر که این  
مدنیت غربی در آن هاتایر کرده، یا آنکه امروز زیاد معلوم میشود، ناچیز خواهد بود



وقتی بدنبال نشوئع يك مدنيت، تشوئع متقابلی بیاید، تجربه بزرگی برای عالم بشریت حاصل میشود این تجربه عبارت خواهد بود از اینکه میراث اجتماعی يك جابامیراث مدنی محل دیگر به سختی تصادم کنند و از بقایای آن حیات تازه - حیات مشترك بمیان آید.

مورخین ۴۰۴۷ خواهند گفت: تصادم مدنیت غرب بر مدنیت هلی معاصر خود در نیمه دوم هزاره دوم میلادی، واقعه مهم آن عصر بود زیرا این قدم، قدم اول برای اتحاد بشر در جامعه مشترك میباشد.

در آن وقت اتحاد بشر یکی از شرایط واقعی زندگی انسان، درست قسمتی از انتظام طبیعت خواهد بود، و برای اینکه نگاه محلی پیشروان مدنیت رادرشش هزار سال یا بیشتر بیاد بیارند ممکن است لازم داشته باشند مخیله خود را بکار اندازند. آتنیها بیکه پایتخت آنها از دورترین نقطه مملکت بیشتر از یکساعت راه نبود. و امریکاییهای معاصر، یا معاصرین واقعی آنها، که برای عبور از مملکت آنها باید شانزده ساعت پرواز کنیم، چگونه کاروبار خود را من حیث انکه مملکت کو چک آنها شامل تمام کائنات بوده انجام میدادند ما میدانیم که امور خود را آنها بخوبی اداره میکردند.

و مورخین ۵۰۴۷؟ گمان می کنم مورخین ۵۰۴۷ بگویند: اهمیت این اتحاد اجتماعی رانه درزمینه تکنیک و اقتصاد باید جست و نهد درزمینه جنگ و سیاست. اهمیت آن هرچه هست درزمینه مذهب خواهد بود. چرا من باین پیشگویی هادر مورخ هزاران سال بعد اقدام کردم؟ زیرا از آغاز ظهور جامعه انسانی از جنسی که ما آنرا مدنیت می نامیم، تاریخ تقریباً شش هزار ساله داریم که می توانیم بواسطه آن قضاوت کنیم شش هزار سال بمقابل عمر نژاد بشر، حیوانات پستاندار، زندگی بروی زمین سیستم شباروزی بدور آفتاب و دسته ستار گانی که آفتاب عضو معلوم و واضح آن نیست، مدت بسیار کوتاهی است معین این دور شش هزار ساله، هر قدر هم کوتاه باشد نمونه های دیگر مواد نسی را که مشغول مطالعه آن هستیم - از قبیل مثالهایی از تصادم بین مدنیت ها - بدسترس ما میگردد راجع بیعضی از این مواد - ما از مزیت فهمیدن تمام داستان تمتع میبریم - مزیتی را که مورخین ما بعد در ۳۰۴۷ و ۴۰۴۷ از راه مراجعه بمطالعه اوضاع ما با بدست بیارند از راه مطالعه همین تصادم ها است که من میتوانم

راجع به تصادم مد نیت خود با معاصرین خود ما حدس بز نم تار یخ یکی از  
متقدین خود ما مد نیت یونان روم را مثال میاریم و آنرا از چشم انداز بعید  
امروز مطالعه می‌کنیم.

با تر فتوحات سکندر بزرگ رومی ها مد نیت یونان و روم یا گریکورو من  
بر قسمت بزرگ دنیای کهن هند، جزائر برطانیه و حتی چین و سکاوند نیویا تایید.  
تنها مد نیت آنروز که ازین مد نیت متاثر نشد مد نیت امریکای مرکزی و پیرو  
بود و دامنه آن مد نیت در وسعت و شدت با مد نیت خود ما غیر قابل مقایسه  
نیست، وقتی بمد نیت گریکورو من در چار قرن آخیر قبل المیلاد می‌بینیم،  
بهمین توسعه و نفوذ است که بارز معلوم میشود. جنگها، انقلابها و بحرانیهای  
اقتصادی که سطح تاریخ یونان و روم - گریکورو من - را متاثر ساخته بود و مورد  
توجه مردان و زنانیکه برای حیات خود در آنوقت مجادله میکردند قرار داشت  
دیگر نزد ما به مقایسه امواج بزرگ تاثیر اجتماعی که جانب آسیای وسطی،  
شام، مصر، بابل، ایران، هند و چین روی آورد مهم نیست. اما چرا تصادم یونان  
وروم بر مد نیت های دیگر نزد ما امروز مهم است؟ به علت حمله متقابل مد نیت  
های دیگر بر مد نیت یونان و روم.

قسمتی ازین حمله متقابل بهمین ترتیب حمله اصلی یعنی بزور اسلحه انجام  
شد اما امروز با مید مقابلهت یهود مقابل امپریالیزم، گریکورو من در فلسطین،  
یا حمله متقابل بارتها و متعاقبین ایرانی آن تحت خانواده ساسانی بطرف  
مشرق فرات، یا فتوحات احساساتی اعراب مسلمان - آنهایکه در قرن هفت میلادی  
شرق میانه را در مدتی کوتاهتر از آنکه اسکندر آنرا هزار سال قبل فتح  
کرده بود آزاد ساخت - علاقه مند نیستیم.

اما درین گیر و دار حمله دیگری بود، حمله ای مصلحانه و روحانی،  
حمله بی که قلعه ها و ایالات تحت تاخت و تازش نبود بلکه بر قلوب و اذهان تاثیر  
کرد. این حمله را طرفداران مذہب جدید انجام دادند مذہبی که دردنیائی  
برخاست که مد نیت روم آن را مورد حمله خود قرار داده و دران مستهلك شده  
بود. اداره این مد نیت در دست سینت - سال بود. سینت بال از انتیاک  
آغاز کرد و بیباکانه جانب مقدونیه، یونان و روم پیشرفت این کار را



بالنسبة ضعيف مكسيكو شروع بعمل متقابل کرده است. انقلابی که مکسیکو از سال ۱۹۱۰ به بعد، از آن میگنرد اولین حرکتی است برای اینکه لباس بیرونی حرکتی را که ما در قرن شانزده آنرا تحمل کردیم از خود دور کند. مکسیکو ممکن است مرکز مدنیتهای محلی امریکای جنوبی در پیرو، بوسیویا، اکو ادورو کولمبیا شود. قبل از آنکه به بحث خود خاتمه بدهیم باید چند کلمه را جمیع بطنی که تا حال آنرا بدیهی گرفته بودم بگویم. و آن اینکه: مراد از مفهوم کلمه مدنیته چیست؟ حتماً برای این کلمه مفهومی نزد ما هست زیرا حتی قبل از آنکه به کوشم مقصود خود را از معنی این کلمه بگویم دسته بندی جماعات بشری - مدنیته غربی، اسلامی، شرق دور، هندو و امثال آن نزد ما معنی داشته. این کلمات تصاویر گذشته را بشکل مذهب، معماری - نقاشی، طریقه زندگی و مراسم بذهن ما میارند. خوبست سعی کنیم بمفهوم اصطلاحی که قبلاً بان مشغول بودیم نزدیک شویم گمان می کنم من معنی مقصود خودم را از کلمه مدنیته می فهمم، اقلأً بلدهستم چگونه بنظر خودم بمعنی این کلمه فهمیده ام. مقصود من از مدنیته کوچکترین واحدها یعنی است که بان وقتی سعی می کنم تاریخ يك مملکت (مثلاً انگلستان، یا اضلاع متحده امریکا) را مطالعه کنیم میرسیم اگر سعی کنیم تاریخ اضلاع متحده امریکارا از خودش بپیمیم کاری است بی ثمر نمی توانیم اثری را که دولت فیدرالی، دولت نمایندگی، صنعتی ساختن، وحدت ازدواج مسیحیت در زندگی امریکایی وارد کرده، بینیم تا اینکه از احاطه اضلاع متحده امریکا - خارج سرحدات آن با اروپای غربی و ممالک ما و آرای بحار که بواسطه اروپای غربی تاسیس شد بیرون نه شویم وهم چنان مطالعه خودرا باید از منشأ محلی آنها بتاریخ اروپایی غربی قرنهای پیش از آنکه کولمبس یا کبیت از ان تلتیک بگذرد ادامه دهیم اما برای اینکه تاریخ و موسسات امریکابه غرض مقاصد علمی فهمیده شود لازم نیست از حدود اروپای غربی خارج شده بار و پایی شرق یا جهان اسلام یا منشأ مدنیته غربی خود ما - عروج و زوال مدنیته یونان و روم داخل شویم این حدود زمان و مکان واحد قابل ادراک حیات اجتماعی را که اضلاع متحده امریکا انگلستان، فرانسه یا هالیند قسمتی از آنست بها میدهد این واحدها میتوانیم مسیحیت

(۲) حالا که چینی ها کونست شده اند و معلوم نیست هندی ها چه خواهند شد درین موضوع

باید چه فکر کنیم؟

غربی، مدنیت غربی، جامعه غرب، جهان غرب بنامیم همچنان اگر از یونان سرستان و روسیه شروع کنیم و بخواهیم تاریخ آنهارا بفهمیم به مسیحیت خالص اعلقه پیدا کنیم با جهان بایزنتین میرسیم. اگر از مراکویا افغانستان شروع کنیم و بخواهیم تاریخ آنهارا بفهمیم بجهان اسلام وارد می شویم وقتی از بنگال یا ملبوریا یا راجپوتاننا شروع کنیم مدنیت هندورامیاییم. و چون از چین و جاپان آغاز نماییم باجهان شرق دور روبرو میشویم.

مدنیتی که ما عضو آن هستیم در حیاتها بیشتر اثر دارد و این مدنیت در مرحله های مختلف تاریخ شامل متابعین دولت های دیگر و قدرتمندتر از دولت می باشد مدنیته غرب سیزده صد سال عمر دارد. جایی که از عمر سلطنت انگلستان یک هزار سال و از عمر سلطنت متحده انگلند و سکا تلند ۲۵۰ سال میگذرد و اضلاع متحده امریکا بیشتر از ۱۵۰ سال عمر ندارد. دولت ها عمر کوتاه و مرگ فوری دارند: مدنیت غرب که بنده و شما عضو آن هستیم ممکن است پس از آنکه سلطنت متحده انگلستان و اضلاع متحده امریکا از نقشه سیاسی دنیا مانند جمهوریت دینس و سلطنت دوگانه استریا و هنگری، محو شود قرنهای باقی می ماند. ازین جاست که بنده از شما می خواهم بتاریخ از نقطه نظر مدنیت ببینید نه دولت. دولتهارا در حیات مدنیتها باید کیفیتهای ظاهری سیاسی مؤقت جز دانست که در آغوش مدنیت ظاهر میشوند و از بین میروند.

### گر بزنند دل شانی

میتوان کردن بتلقین زنده خون مرده را  
بخت خواب آلود را بیدار کردن مشکلت

بهر از باد مخالف میشود شوریده تر

از نصیحت مست راهشمار کردن مشکلت

میگر بزنند اهل دل از صحبت زها خشک

روبروی صورت دیوار کردن مشکلت

در گذر صائب زدل افتاد چون درقید زلف

مهره بیرون ازدهان مار کردن مشکلت